

Recognition of the existential dimensions of Hazrat Zahra (PBUH) with the structure of Kawthar and Dhoha chapters

✍ Fatemeh moharami

Abstract

It is essential to use a systematic method of contemplation in the verses, with the aim of gaining appropriate knowledge on the one hand, in order to face current questions and to link these with future studies in order to plan future strategies. The new method of contemplation uses the tonal and semantic connection of words and verses in adjacent suras based on the arrangement of the mushaf and even in conceptually similar and adjacent suras to achieve the main meaning.

Recognizing the existential dimensions of Hazrat Zahra (PBUH) as the main theme and tracing the divine description of the verses is a powerful perspective, the emptiness of which can be clearly seen in commentary books.

This research answers this question: Is there a new trace of Kowsar in God's gift in other suras? Using the writing method in one of the criteria for selecting verses and with the aim of answering the question by first knowing the structure of Sura Kowsar and further explaining its words in other suras of the Qur'an, she has reached Sura Zoha and through Explanation of the conceptual connections between the two suras. The main concepts have been extracted. The results of the research show that we carefully conclude from the letters Aleph and Lam of the word "Al-Kowsar" that the word "Al-Kowsar" is not all good because it is associated with Alef and Lam.

"Al- Kowsar" is an adjective. That is influenced by Zoha and is not limited to time but of the nature of the afterlife, two behaviors were declared in response to the bestowal in Sura Kowsar and three behaviors communicated in Surah Al-Zoha were declared to be the ground for to prepare for giving.

Keywords: Koran, Hazrat Zahra (PBUH), Kowsar, zoha, award, night, neighbor.

شناخت ابعاد وجودی حضرت زهرا^۱ با ساختارشناسی سور کوثر و ضحی

ک. فاطمه محرمی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۱

چکیده

به‌کارگیری روشی نظام‌مند برای تدبیر در آیات، جهت دستیابی به شناخت مناسب به منظور مواجهه با مسائل روز از یک طرف و پیوند آن با آینده‌پژوهی جهت طرح‌ریزی راهبردهای آتی امری اجتناب‌ناپذیر است. روش تدبیر نوین، ارتباط لحنی و معنایی واژگان و آیات را در سور مجاور مبتنی بر چیدمان مصحف و حتی در سوره‌های غیر هم‌جوار و متشابه به لحاظ مفهومی را نیز جهت دستیابی به مفهوم اصلی مورد استفاده قرار می‌دهد. شناخت ابعاد وجودی حضرت زهرا^۱ به عنوان مساله اصلی و ردیابی توصیف الهی از آیات، منظر اقومی است که خلأ آن در کتب تفسیری به وضوح قابل مشاهده می‌باشد. سؤالی که این پژوهش در صدد پاسخگویی به آن می‌باشد این است که آیا عطای خداوندی در سوره ضحی ارتباطی با اعطای کوثر در سوره کوثر دارد؟ با استفاده روش‌مند و تحریر مدار در یکی از معیارهای گزینش آیات با هدف پاسخ به سؤال، ابتدا با شناخت ساختاری سوره کوثر و متعاقباً توضیح بیشتر واژگان آن در سایر سوره‌های قرآن و با کشف حلقه ارتباطی مفهومی به سوره ضحی رسیده و با تبیین ارتباطات مفهومی دو سوره سعی در استخراج مفاهیم اصلی آن گردید. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که با دقت در الف و لام در واژه «کُوْثَرَ»، درمی‌یابیم که الکوثر هر خیر کثیری نیست، چون با الف‌ولام معرفه، همراه شده است، الکوثر یک صفت است که متأثر از ضحی و محدود به زمان نیست بلکه از جنس مقولات آخرتی است که در قبال آن، فرهنگ مطابق آن بیان شده است به‌طوری‌که در سوره کوثر دو رفتار در مقابل آن امر شده است و در سوره ضحی سه رفتار جهت زمینه‌سازی اعطاء بیان شده است.

واژگان کلیدی: حضرت زهرا^۱، کوثر، ضحی، قرآن کریم.

مقدمه

خداوند حکیم کلمات، آیات و سوره‌های قرآن کریم را با چینی‌سی حکیمانه و هماهنگ جهت تحول و هدایت مخاطب نازل نموده است. برخی سوره‌ها با سه آیه و برخی با ده، صد، دویست و حتی گاه ۲۸۶ آیه این هدف را تامین می‌نمایند. باید به این اصل اشاره کرد که ترتیب آیات در یک سوره توقیفی است و به دستور پیامبر^K صورت گرفته است. درحالی که نزول قرآن در طی ۲۳ سال بر پیامبر^K در زمان و مکان‌های متفاوت نازل شده است ولی از انسجام و پیوستگی واحدی برخوردار هستند زیرا از سوی حکیمی مدبر صادر شده و آیات با یکدیگر هیچگونه اختلافی ندارند همانگونه که خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» و آیا در قرآن تدبر نمی‌کنند؟ اگر (بر فرض) از طرف غیر خدا بود، حتماً در آن اختلاف فراوانی می‌یافتند. این نوع اعتقاد که برگرفته از وحی است حکایت از ارتباط سوره‌ها با یکدیگر و نظام مند بودن کل قرآن و ویژگی مهم آن که همان نظم است می‌نماید. بنابراین هر سوره دارای روح کلی است که در تمام زوایا و شریان‌های آن جریان دارد و چینش آیات درون سوره حکیمانه و برای غرض واحدی نازل شده است. از طرف دیگر نباید از فضای فکر و تخیل وارد نظام خداوندی شد، بلکه با توصیف خداوند نظام الهی شناخته می‌شود. خداوند در آیه ۳۶ سوره یونس می‌فرماید: «وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يَغْنَى مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا» عموم انسان‌ها با ظن و گمان پیش می‌روند «إِنَّ الظَّنَّ لَا يَغْنَى مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا» ظن و گمان هیچ ربطی به حقیقت و نظام خداوندی ندارد. الحق؛ یعنی نظام خداوندی؛ اهل بیت^B را آن گونه می‌توان شناخت که خداوند توصیف می‌کند. سوره مبارکه کوثر که کوچکترین سوره کتاب حکیم است، پانزدهمین سوره نازل شده و یکصد و هشتمین سوره مصحف و به ظاهر کوچکترین سوره قرآن است و ده واژه دارد. «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ» «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَر» «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» سوره مبارکه ضحی یازدهمین سوره

مصحف و نود و سومین سوره نازل شده است. حقیقت اهل بیت با توصیف و تبیین الهی شناخته می‌شود، در این تحقیق برای شناخت حضرت زهرا ؑ سوره کوثر و رابطه آن با سوره ضحی مورد دقت قرار می‌گیرد. «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ»، نسبت به حضرت زهرا ؑ هر چه بیان شود، به پای قرآن نمی‌رسد، هر چقدر تفکر شود، تفکر گنگ و به‌ظاهر بزرگ است، صدیقه کبری خانمی هستند که عالم به طفیل وجودی ایشان خلق شده است.

پیشینه تحقیق

آثار و تألیفات فراوانی «پیرامون شخصیت، زندگی و ابعاد وجودی حضرت زهرا ؑ به رشته تحریر درآمده و حتی آیات مربوط به ایشان جمع‌آوری شده است. مفسران شیعه و برخی از مفسران اهل سنت، با استناد به روایات، تعدادی از سوره‌ها و آیات قرآن کریم را مرتبط با وجود حضرت زهرا ؑ ذکر کرده و در کتب خویش به تفسیر آن پرداختند، از جمله کتب تفسیری شیعه می‌توان به تفسیر التبیان، مجمع البیان، المیزان، تسنیم،... نام برد. کتاب‌هایی که حضرت را در آئینه قرآن معرفی کرده است شامل: فاطمه اسوه بشر (بخش سوم با عنوان فاطمه در آئینه قرآن)، سیمای حضرت فاطمه در قرآن (مشمول برآیاتی از قرآن که در شأن حضرت فاطمه به صورت تنزیل، تأویل، تفسیر و یا تطبیق وارد شده است) در تمام سبک‌ها و روش‌های مشاهده شده، هیچ یک به طور خاص از ارتباط سوره‌ها با یکدیگر و سوره‌های همجوار و لحن درون سوره به بررسی مفهومی و معنایی آیات نپرداخته است. همچنین از دریچه ارتباط آیات و سوره‌ها به شناخت ابعاد وجودی حضرت زهرا ؑ نپرداختند. بنا بر این تحقیق حاضر با در نظر داشتن همگرانی سوره‌ها در موضوع خاص کاری است که پیشینه چندان در این زمینه برای آن ثبت نشده است و نوشتار حاضر بدین لحاظ جدید می‌باشد.

بررسی کوثر در سوره کوثر

لحن آیه «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» نشان‌دهنده آن است که باید «کوثر» یک مقوله بسیار قیمتی باشد. خداوند تبارک و تعالی لحن‌های گوناگونی با رسول الله K در قرآن صحبت کرده است: گاهی با رسول الله K تحکمی صحبت می‌کند، «... وَ إِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ» (مائده/۶۷) گاهی می‌فرماید که تو نمی‌دانی: «...عَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ» (نساء، ۱۱۳) گاهی می‌فرماید آیا ندیدی؟ «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْكُونَ أَنفُسَهُمْ بِاللَّهِ يَزْكِي مَنْ يَشَاءُ...» (نساء، ۴۹) بعضی وقت ها می‌فرماید اگر بعضی سخنان را به دروغ به ما نسبت می‌دادی رگ قلبت را قطع می‌کردیم: «ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ» (حافه، ۴۶) بعضی وقت‌ها می‌فرماید شما اینطور نیستی: «مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ» (قلم، ۲) بعضی جاها، خیلی مهربان صحبت می‌کند. لحن خداوند در «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ» به نظر می‌رسد که سراسر تکریم است. وقتی کسی می‌خواهد با تکریم، یک موضوع خیلی خیلی قیمتی را عطا کند، با این لحن صحبت می‌کند. کلمه کوثر هر خیر کثیری نیست، زیرا با الفولام معرفه شده است، عموم مفسرین به این نکته توجه نکردند، می‌گویند الکوثر یعنی خیر کثیر؛ شیخ طبرسی در مجمع البیان می‌نویسد: کوثر بر وزن فُوعَل چیزی است که شأنش آن است که کثیر باشد و کوثر به معنای خیر کثیر است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۰، ۸۳۵). مفسرین در تفسیر کوثر و اینکه کوثر چیست با هم اختلافی عجیب کردند، مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان برای الکوثر بیشتر از ۲۶ مصداق از سوی مفسرین مطرح کرده است: مثلاً نهری در بهشت! حوض خاص رسول الله K در بهشت یا در محشر، اولاد رسول الله K، اصحاب و پیروان ایشان تا روز قیامت، علمای امت رسول الله، قرآن و فضایل قرآن، مقام نبوت، اسلام، توحید، علم و حکمت، فضایل رسول الله K، مقام محمود، نور قلب رسول الله K،... در انتهای این قسمت می‌فرماید که فقط مورد اول و دوم، دارای دلیل است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲۰، ۳۷۰). در تفسیر نمونه گفته می‌شود که کوثر وصف است که از کثرت گرفته شده و به معنی خیر و برکت فراوان است و به افراد سخاوت‌مند نیز کوثر گفته

می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۷، ۳۷۱)؛ مفسرین «ال» در «الکوثر» را در نظر نگرفتند و آن را هر خیر کثیر معنا کردند و در مقابل آن «الْأَبْتَرُ»، قرار دارد «إِنَّ شَاتِنَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» که آن نیز «ال» دارد به معنای کسی که دنباله ندارد.

یکی از راه‌های شناخت کوثر در همین سوره، شناخت کلمه کوثر با ضد آن است، «تُعْرَفُ الْأَشْيَاءُ بِأَضْدَادِهَا» (مطهری، ۳، ۱۲۲) در سوره کوثر، مقابل «الْكَوْثَرُ»، «الْأَبْتَرُ» مطرح می‌شود؛ کلمه ابتر به معنای بچه‌دار نشدن نیست، زیرا رسول‌الله K بارها صاحب فرزند شدند، در نقل‌هایی که وجود دارد، اشخاصی به رسول‌الله K ابتر می‌گفتند، از جمله آنها عاص بن وائل از دشمنان حضرت بود. (قمی، ۱۳۶۷، ۲، ۴۴۵) او می‌دانست که رسول‌الله K بارها بچه‌دار شده است، اگر بگوییم ابتر به معنای پسر دار شدن است؛ این هم صحیح نیست، زیرا رسول‌الله K بارها پسر دار شدند، پسری داشتند به نام قاسم، ابراهیم و یکی دوتا اسم دیگر هم حتی ذکر شده است، کوثر درست است که در مقابل ابتر است، اما ضد آن نیست، خیلی فراتر از ضد ابتر است، درست است کوثر و ابتر در مقابل هم در سوره ذکر شده است، اما ضد هم نیستند، کوثر خیلی عظمت دارد، ابتر اصلاً قیمتی ندارد، قابل مقایسه با کوثر نیست. ابتر به هر معنایی باشد رسول‌الله K ابتر نیستند، زیرا زمانی که خداوند می‌فرماید: دشمن شما ابتر است؛ یعنی شما ابتر نیستید؛ «الْكَوْثَرُ» به فرزند و نسل ربط دارد، خداوند می‌فرماید که دشمن شما ابتر است، اما نسل دشمنان حضرت قطع نشد، آیا منظور آیه دشمن خاصی است؟ آیه می‌فرماید: «شان» اگر «الشان» گفته می‌شد یعنی دشمن خاص؛ پس یک فرد خاص مدنظر نیست، اگر در شأن نزول، یک فرد خاص منظور باشد اما حکمی که آمده است «إِنَّ شَاتِنَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» برای آن فرد خاص نیست، درباره تمام دشمنان است؛ اگر گفته می‌شد «إِنَّ الشَّاتِنَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» آن دشمن خاص شما نسلش قطع است، پذیرفته می‌شد، با عنایت به شأن نزول آیه حتی اگر

دشمنی جسارتی کند، حکم خداوند، کلی است و تمام دشمنان را در برمی گیرد. «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ»؛ یعنی دشمنان شما نابود می‌شوند، در عوض نسل رسول الله K باید دائمی باشد. بحث کوثر از مقولهٔ فرزند و نسل فراتر است، اما اگر در محدودهٔ نسل هم بحث تبیین شود، قابل ذکر است که اگر خداوند متعال دشمنان یک رسول را بخواهد نابود کند و نسل آن رسول را تقویت کند، این فقط برای رسول الله K نبوده است. به‌طور مثال در سورهٔ صافات در مورد نسل حضرت نوح (ﷺ) خداوند می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ» (صافات، ۷۷) نسل او را باقی قرار دادیم و تمام انسان‌ها از نسل حضرت نوح (ﷺ) هستند. در مقابل «ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْأَخْرِينَ» (صافات، ۸۲) سپس دیگران (مشرکان) را غرق کردیم. بنابراین کوثر شخص نیست، اما مربوط به تولد و مولودی است که خداوند به رسول الله K عطا کرده است، در مقابل، ابتر هم شخص نیست بلکه صفتی برای شخصی است، کوثر مربوط به مولودی است که زنده می‌ماند و علاوه بر آن نسلش هم باقی می‌ماند و بهترین نسل خواهد شد، اگر در محدوده فرزند و نسل هم پذیرفته شود، کوثر نمی‌تواند شخص باشد مربوط به نسل فرزندی است، که آن فرزند حضرت زهرا (ﷺ) است، نمی‌تواند به افراد دیگر ربط داشته باشد، کوثر حضرت زهرا (ﷺ) نیست، اما هر چه هست متعلق به حضرت زهرا (ﷺ) است، اگر صفت است اگر موهبت عظیمی است، هر چه هست متعلق به حضرت زهرا (ﷺ) است، ارتباط حضرت زهرا (ﷺ) با کوثر چه می‌تواند باشد، آیا صرفاً یک عطایی بخاطر حضرت زهرا (ﷺ) است؟ آیا بین حضرت زهرا (ﷺ) و کوثر این همانی وجود دارد؟ آیا صحبت سر ظاهر و باطن است، ظاهر، این مولود است و باطن، کوثر است؟ آیا موضوع صفتی برای حضرت زهرا (ﷺ) است؟ همانطور که خداوند دربارهٔ پسر حضرت نوح (ﷺ) می‌فرماید: «إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» پسر نوح را با صفتی و رفتاری معرفی می‌کند، آیا خداوند حضرت زهرا (ﷺ) را هم با رفتار یا صفت معرفی می‌کند؟ یکی از راه‌های تبیین مفهوم کوثر، دقت در «ال» کلمه کوثر و ابتر است. با دقت در الف و لام‌ها مشخص می‌شود که: «الْكَوْثَرُ» هر خیر کثیری نیست، چون با

الف و لام معرفه شده است، حتی اینکه کوثر بر وزن فُعول به معنای خیر کثیر باشد، اما (الْكَوْثَرُ) هر خیر کثیری نیست، به ازای آن «الْأَبْتَرُ» هم هر دنباله بریده‌ای نیست، چون با الف و لام معرفه شده است، کوثر باید یک مفهوم باشد، لذا ابتر هم باید یک مفهوم باشد. اگر کوثر به عنوان اسم شخص گرفته شود، باب جستجو بسته خواهد شد، کوثر وجود حضرت زهرا η نیست، کوثر یک مفهوم است، یک صفت است، یک ماجرا یا...، اما شخص نیست.

با توجه به آیه اول که صحبت از عطای خداوندی است، آیه دوم صحبت از رفتار در قبال و آیه سوم صحبت از تبعات درون امت است؛ آیه دوم نیز دو قسمتی است: ۱. (فَصَلِّ لِرَبِّكَ)، ۲. (وَ أَنْحِرْ)؛ آیه دوم (فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ أَنْحِرْ) درحالی که کوثر اعطاء خاص حضرت رسول K است، اما خدای متعال آن را در قرآن و برای عموم قرار داده است تا همه در معرض آن قرار گیرند و به آن عمل کنند. یکی از دستوره‌های عملی به رسول خدا K و مسلمانان در سوره این است که: در جای جای نماز: ابتدای نماز، آستانه رکوع، هنگام بلند شدن از رکوع، هنگام سجده، هنگام بلند شدن از سجده، هنگام تکبیر، به یاد حضرت زهرا η دست‌ها را تا کنار گردن بالا برده و برای رب، بخاطر عطای کوثر تکبیر بگویید. چه عطایی خداوند به رسول الله K داده است که این عطا در نماز تأثیر دارد.

علامه طباطبائی (ره) شش حدیث را در بحث روایی از شیعه و عامه نقل می‌کند: «خدای تبارک و تعالی، مأمورت کرده، وقتی می‌خواهی احرام نماز ببندی، دست‌هایت را تا گردن بلند کن». (رازی، ۱۴۲۰، ۳۲، ۳۱۷) (سیوطی، ۱۴۰۴، ق، ۶، ۴۰۳) هنگام تکبیر نماز دست‌هایت را تا محاذی گردن بلند کن هم در هنگام رکوع رفتن و هم در موقع سر از رکوع برداشتن که این نماز، نماز فرشتگانی است که در هفت آسمان هستند، برای هر چیزی زینتی است و زینت نماز دست بلند کردن در هر تکبیر است. علامه می‌فرماید: که عبدالله بن سنان هم مثل این حدیث را از آن جناب، از امام صادق (P) نقل کرده و شبیه این را جمیل هم از آن جناب نقل کرده است؛ یعنی یک حدیث را سه نفر از قول امام صادق (P) نقل کردند. (طباطبائی، ۱۴۱۷، ق، ۲۰،

(۳۷۱) از امام صادق (ع) و دیگر ائمه β نقل شده است: منظور از (وَ أَنْحَرُ) دست بلند کردن به سمت گردن برای الله اکبر گفتن برای نماز است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۰، ۸۳۷)

آنگونه که قرآن و اهل بیت β می‌فرمایند باید با وجود مقدس حضرت زهرا η آشنا شد. یکی از وجوه خیر کثیر که مخصوص حضرت زهرا η است، در خود سوره کوثر یک مصداقش ذکر شده است: (وَ أَنْحَرُ)؛ موقع تکبیره الاحرام دست‌تان را به ازای محل نحر بالا بیاورید. بنابراین برای این موضوع خاصیتی و خیر قرار داده شده و فرموده است بارها اینکار را انجام دهید. از زمان عطای کوثر، در شبانه روز انسان پنج بار نماز می‌خواند، ۱۷ رکعت، ابتدای هر پنج نماز، تکبیره الاحرام دارد و در تکبیره الاحرام مستحب است که انسان دست بلند کند. این نسخه خداوند در سوره کوثر است، (فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ أَنْحَرُ)، بنابراین شیعیان فاطمی! نمازهایشان نور فاطمی و رنگ فاطمی دارد، از درون نماز، خداوند شیعه را تربیت می‌کند، نماز شیعه نشانی از فاطمه η دارد.

معیارهای عطا بر رسول الله κ

از طریق واژه‌های سوره کوثر به دنبال شناخت حضرت زهرا η ، به سرزمین پهنای قرآن وارد شده زیرا برای فهم سره و حقیقت زلال قرآن کریم در کنار شناخت مفاهیم و... باید از همگرانی و همجواری و سیر چینش هم بهره برد تا نقاب از حقیقت پنهان در قرآن کریم چهره نمایی کند. در این رابطه برای شفاف شدن مسیر جستجو و عدم سرگردانی و نیل سریعتر به نتیجه به‌وسیله چند معیار به جستجو در قرآن پرداخته می‌شود که شامل: ۱. مصادیق اعطای، ۲. مصادیق بسیار مثبت عطا، ۳. مصداق بسیار مثبت بر رسول الله κ نه بر دیگران، ۴. اعطا توسط خداوند صورت گرفته باشد. این رفتار در فقه «تحریر» گفته می‌شود، یعنی آزاد کردن بحث از آن چیزهایی که نباید با آن همراه شد. بنابراین با روش جستجو همراه با در نظر داشتن معیارها وارد قرآن شده و مصادیق عطای مثبت به‌دست آمده شامل:

۱. عطا به حضرت سلیمان ﷺ خداوند تسخیر شیاطین و دیگر موجودات دخانی را به حضرت سلیمان ﷺ داده است، می‌فرماید: «هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (ص/۳۹) (و به سلیمان گفتیم: این بخشش ماست پس بی‌شمار [و بدون محاسبه] ببخش یا نگاه‌دار. در این آیه نیز خداوند با ضمیر «نا» سخن گفته است. سپس می‌فرماید: «وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ» (ص، ۴۰) و قطعاً برای او [سلیمان]، نزد ما [مقامی] نزدیک و بازگشتی نیکوست. اگر «عطاؤنا» با «عندنا» بررسی شود؛ در عندنا منظور این نیست که او در پیشگاه من و ملائکم، جایگاه خوبی داشت، منظور فقط در پیشگاه خدا است. پس منظور ملائکه نیستند. عندنا کنار عطاؤنا، یعنی فقط خداوند بدون واسطه ملائک. مورد توجه است جایی که خداوند بخواهد قوای الهی را به یک رسولش عطا کند، ملائک در کار نیستند.

۲. وعده عطا به رسول الله ﷺ در سوره ضحی: (وَ الضُّحَى) (وَ اللَّيْلِ إِذَا سَجَى) (مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَ مَا قَلَى) (وَ لِلآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْآوَلَى) (وَ لَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى) (ضحی، ۵) به‌زودی خدای تو چیزی به تو عطا می‌کند که راضی بشوی. این عطا یک عطای قیمتی است، محصول رضایت رسول الله ﷺ است.

۳. عطا به رسول الله ﷺ در سوره کوثر: (إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ)

۴. عطای به سعادت که خداوند می‌فرماید: (وَ أَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَمِنَ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ) (هود، ۱۰۸) و اما کسانی که نیکبخت شدند، پس در بهشتند، در حالی که در آنجا تا هنگامی که آسمان‌ها و زمین برپاست، ماندگارند، جز آنچه پروردگارت بخواهد. (این) بخششی قطع ناشدنی است. انسان‌های سعادت‌مند در بهشت هستند. (خالدین فیها ما دامت السماوات و الأرض) تا وقتی که آسمان‌ها و زمین برقرار است، سعادت‌مندان در آنجا هستند، مرگ بر آنها مستولی نمی‌شود. به

گفته‌ای آسمان‌ها و زمین تاکنون سیزده و نیم میلیارد سال از خلقتشان می‌گذرد. (منبع: scientificamerican ترجمه احسان محمد حسینی) سیزده و نیم میلیارد سال یا به قولی پانزده میلیارد سال، وضعیت به اینجا رسیده است، آسمان‌ها سیر برگشت را خواهند داشت، طبق قرآن آسمان‌ها در حال باز شدن هستند، از یک زمانی سیر برگشت، سیر جمع شدن شروع می‌شود. برای جمع شدن زمان می‌برد که در نهایت آسمان‌ها و زمین نابود خواهد شد. طبق قرآن، ما به اهل بیت β ملک عظیم عطا می‌کنیم. ملک عظیم، زمانش هم عظیم است، ملک عظیم هم پهنایش عظیم است، هم ارتفاعش عظیم است، هم طولش عظیم است، طول زمانش عظیم است. طبق این آیه تا زمانی که آسمانها و زمین برقرار هستند آدم‌های سعادت‌مند در آنجا هستند، مگر خداوند بخواهد یکی را از آنجا بیرون کند. (إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ) بعد خدا می‌فرماید: (عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ) این عطا هست، چه عطای قیمتی! اینکه خداوند سَعْدَا را در بهشت فردوس می‌برد، این عطا است.

۵. عطاء به مؤمن که خداوند در سوره اسراء می‌فرماید: «كُلًّا نُمِدُّ هَؤُلَاءِ وَ هَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا» (اسراء، ۲۰) همه را، این (گروه) و آن (گروه) را، از بخشش پروردگارت، امداد می‌دهیم و بخشش پروردگارت (از کسی) منع نشده است. خداوند به مؤمنانی که اراده آخرت داشته و در این مسیر سعی کنند عطایی می‌دهد. در آیه ۱۹ می‌فرماید: «وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَ سَعَى لَهَا سَعِيهَا وَ هُوَ مُؤْمِنٌ» (اسراء، ۱۹) کسی که ابتدا مؤمن است، به حسب ایمانش می‌داند باید به سوی آخرت حرکت کند و در مسیر به سوی آخرت، سعی می‌کند، نه اینکه زحمت می‌کشد. آیه می‌فرماید: به مؤمن از جانب رب عطایی قطع ناشدنی داده خواهد شد.

۶. عطای به متقین، خداوند در سوره نبأ می‌فرماید: «جَزَاءٌ مِنْ رَبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا» (نبأ/۳۶) (این) پاداشی است از سوی پروردگارت در حالی که بخششی حساب شده است.

«جَزَاءٌ مِنْ رَبِّكَ» که خداوند عطا را در آیات پیشین، توضیح می‌دهد که این عطا به متقین داده می‌شود.

اگر کلمه آتینا به معنای اعطا هم گرفته شود به طور مثال در آیه: (وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ) (حجر، ۸۷) ولی ملاک و معیار جستجو، کلمه عطا است. از بین شش عطا فقط موارد دو و سه محل اعتنا است زیرا دو بار در قرآن واژه عَطَى، با ریشه عَطَى، یک بار در سوره کوثر، جای دیگر در سوره ضحی برای رسول الله K مطرح شده است. در سوره ضحی صحبت از این است که ما به رسول الله K عطایی می‌دهیم که باعث رضایت ایشان شود. (وَلَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى). آیا از سوره ضحی می‌شود مطلبی را برداشت کرد که به کوثر، یا سوره کوثر ربطی پیدا کند؟

بررسی اجمالی سوره ضحی

سوره ضحی نودوسومین سوره قرآن و یازدهمین سوره تنزیلی است. خداوند می‌فرماید: (وَالضُّحَى) قسم به روشنایی نور خورشید، الضحی به نور خورشید گفته می‌شود؛ به نور ماه در قرآن، «نور» گفته می‌شود و به نور خورشید «الضحی». (وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى)، قسم به شب وقتی که مستولی می‌شود و همه جا را فرا می‌گیرد، (مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَ مَا قَلَى)، خداوند شما را تنها نمی‌گذارد، (وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى) آخرت از الان برای شما بهتر است، مقولات آخرتی از مقولات دنیایی برای شما بهتر است، خداوند در آیه ۵ سوره ضحی می‌فرماید: (وَلَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى) به زودی خداوند عطایی به شما می‌دهد که راضی شوید، در آیه ۶ خداوند رسول الله K را به گذشته تذکر می‌دهد (الْمَ يَجِدُكَ يَتِيمًا فَآوَى) یک زمانی یتیم نبودی و خداوند پناهت داد! (وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى) نمی‌دانستی چه مسیری را حرکت کنی و

خداوند به مسیر صحیح هدایت کرد، (وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنِي) فقیر بودی و خداوند تو را از فقر بیرون آورد، لذا شما هم، (فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ) یتیمان را از خودت نران، (وَ أَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ) مستمندان را از خود نران، (وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ) نعمت رب را ذکر کن.

جایگاه‌شناسی سوره ضحی در قرآن

قیمت سوره ضحی از چند سوره قبل مشخص می‌شود. نود و یکمین سوره قرآن سوره شمس است، خداوند می‌فرماید: (وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا)، (وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا)، (وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا)، (وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا) هشت واژه است، (الشَّمْسِ)، (ضُحَاهَا)، خورشید، نور خورشید، (الْقَمَرِ) (تَلَاهَا)، (النَّهَارِ) (جَلَّاهَا)، (اللَّيْلِ) (يَغْشَاهَا)، بحث روی این هشت واژه است و اسرار مفهومی عظیمی به آنها مرتبط است. بعضی از آن هشت واژه در سوره لیل نیز وجود دارد: (اللَّيْلِ)، (يَغْشَاهَا)؛ (النَّهَارِ)، (جَلَّاهَا)؛ در سوره لیل خداوند به شب قسم یاد می‌کند و انتهای سوره نیز می‌فرماید: (وَ لَسَوْفَ يَرْضَى) و حتماً در آینده خشنود می‌شود. بعد از این مقدمات، در سوره ضحی دو واژه (الضُّحَى)، (اللَّيْلِ)، وجود دارد، آیه ۵ سوره ضحی خداوند می‌فرماید: (وَ لَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى) به‌زودی چیزی به تو عطا می‌کنیم، با این عطا راضی شوی؛ پس مطلب فی‌البداهه در سوره ضحی شروع نمی‌شود، از قبل مقدمه‌ای وجود دارد، چپ‌نشین سوره‌ها را رسول‌الله K به فرمان خدا انجام دادند، آیا در سوره ضحی رد جدیدی از کوثر، از عطای خداوندی یافت می‌شود؟

آیه محوری، آیه ۵ سوره ضحی است (وَ لَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى)، که به وسیله آن می‌توان از سوره کوثر وارد سوره ضحی شد. زیرا با معیارهایی که بیان شد مطابقت دارد.

عطایی است از جانب رب بر رسول الله ﷺ که باعث رضایت حضرت می‌شود. سؤالی که مطرح می‌شود این است که شاید آیه ۵ سوره ضحی به یک عطا دیگری به جز عطا سوره کوثر ربط داشته باشد. برای پاسخ به این سؤال می‌توان آیه ۵ سوره ضحی را، به حسب آیات ۴ و ۵، سپس به حسب آیات ۱ تا ۳ و بعد به حسب آیات ۶ به بعد سوره ضحی بررسی کرد.

بررسی آیه ۵ سوره ضحی به حسب آیات ۴ و ۵

رفتار رب در آیه ۵ سوره ضحی، بسیار شبیه رفتار در سوره کوثر است، در اینجا خداوند می‌فرماید: رب شما به زودی به شما عطایی می‌کند که شما راضی شوید؛ این لحن در سوره کوثر هم دیده می‌شود (إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ)، این عطا به آخرت مربوط است، زیرا آیات قرآن با قبل و بعد خود قطعاً مرتبط هستند. آیه قبل: (وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى) مقولات آخرتی برای شما بهتر از مقولات دنیایی است، در این راستا خداوند می‌فرماید: (وَلَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى)؛ یعنی در همین راستای مقولات آخرتی به زودی خداوند چیزی به شما عطا می‌کند که راضی شوید و این عطا از جنس مقولات آخرتی بسیار بهتر از مقولات دنیایی است.

خصوصیات عطا بر رسول الله ﷺ در سوره ضحی

عطا در سوره ضحی حتماً مادرانه است، با این عطا زیر بال و پر شیعیان، مؤمنان، گرفته می‌شود، این عطا از جنس دنیا نیست، از جنس نشئات بعد است، آنقدر در نشئات باید جلو رفت که نور (الضُّحَى) دیده شود، این عطا از آنجاست، به رسول الله ﷺ عطا می‌شود، ایشان از این عطا راضی می‌شوند و به حسب آیات بعد، این [نور] را بر جامعه مؤمنان مستولی می‌کنند، نور (الضُّحَى) را بر فضای جامعه مؤمنان قرار می‌دهند، مؤمنان درون نور (الضُّحَى)، قرار می‌گیرند، در دل شب هستند، قلب‌شان گواهی می‌دهد که (الضُّحَى) بالای سرشان است، چشمشان لیل

دنیا را می‌بیند، چشم قلبشان، نور الضحی را می‌بیند؛ مؤمنان، شیعیان در پرتو نور (الضحی) زندگی می‌کنند، در پرتو این عطای خداوندی زندگی می‌کنند، از غذای سر سفره متوجه حضور نور ضحی می‌شوند، (وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنِي)؛ یا رسول الله به همان نشانی که من شما را به این صورت‌ها پناه دادم، شما شیعیان را پناه بده؛ یعنی اگر ما بهره‌مند هستیم، خداوند از این عطای جاری شده بر رسول‌الله K ما را هم بهره‌مند کرده است، ما مدیون خدا هستیم ما مدیون رسول‌الله K هستیم. در قالب این چند کلام کوتاه می‌توان با وجهی از حضرت زهرا^{۱۱} مقداری اندک آشنا شد. تا اینجا اولین مفهومی که مورد توجه قرار گرفت مفهوم (الضحی) بود.

بررسی آیه ۵ ضحی بر اساس آیات ۱-۳

چرا خداوند در سوره مبارکه ضحی به «ضحی» و «لیل» قسم یاد می‌کند ولی به زمین، سم اسبان و... قسم یاد نکرد. قطعاً حکمتی دارد. دو آیه: (الضحی)، (وَ اللَّيْلِ إِذَا سَجَى)، به نظر می‌رسد درصدد بیان آن است که اگر شب همه جا را فرا گرفته نباید نور خورشید را انکار کرد، به همین ترتیب انسان‌ها هم که در دنیا زندگی می‌کنند آخرت را نباید انکار کنند. رب به زودی عطا خواهد کرد، این عطا از جنس آخرتی است، (وَ لِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْاُولَى)، (وَ لَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى) علامه طباطبایی(ره) می‌نویسد: آیه (وَ لَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى)، آیه قبل را تثبیت می‌کند و می‌فرماید: در زندگی آخرت خدای تعالی آن قدر به تو عطا می‌کند تا راضی شوی، هم عطای خدا و هم رضایت رسول خدا K مطلق آمده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲۰، ۳۱۰). قطعاً در چپ‌نش آیات قرآن حکمتی نهفته است. به حسب همین اعتقاد و ایمان راسخ که هر آیه قرآن به آیات قبل و بعد خود ربط دارد می‌توان برداشت کرد که: (وَ لَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى) متأثر از آیات قبل، اولاً عطا است، ثانیاً از جانب رب است، بزودی عطا می‌شود، بزودی، یعنی در همین دنیا، اما جنسش از جنس‌های دنیایی

نیست، از جنس‌های آخرتی است که بسیار بهتر از جنسیت‌های دنیا است، این عطا مانند نور خورشید لطیف است، مانند نور خورشید، آسمانی است، مانند نور خورشید همه جا را فرا می‌گیرد و همه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، هر کسی که در وسعت روز باشد او را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تارسول‌الله K راضی شود، چرا خداوند اینکار را می‌کند؟ زیرا شب دنیا را طولانی کرده است و این شب دنیا برای رسول‌الله K باعث سختی و مشقت است، در دنیا در خلال لیل آنقدر مشکلات برای جامعه ایجاد می‌شود که رسول‌الله K ناراحت می‌شوند، خداوند می‌خواهد ایشان را راضی کند. می‌تواند یک مصداق (وَ اللَّيْلِ إِذَا سَجَى) از زمان سقیفه به بعد باشد، این عطایی که در آیه ۵ ضحی بیان شده از درون این سوره برمی‌آید که مشخصاتی دارد، تمام واژه‌هایش به جا استفاده می‌شود، حتی طبق آیه: (وَ لَا يَأْتُونِكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَ أَحْسَنَ تَفْسِيرًا) (فرقان، ۳۳) و هیچ مثالی برای تو نمی‌آورند جز آنکه با (جواب) حق و بهترین تفسیر [به سوی] تو آییم. آنجایی که دیگران با مثال زدن حرفی را توضیح می‌دهند خداوند می‌فرماید: من مثال‌هایی بر اساس نظام عالم می‌زنم، مثال‌هایی ۱۰۰٪ منطبق با نظام عالم؛ انسان‌ها زمانی که مثال می‌زنند از یک جنبه مثال می‌زنند، مثلا، می‌گویند فلانی مثل شیر می‌ماند؛ فقط شجاعت ایشان را مدنظر دارند، اما وقتی خداوند مثال می‌زند از وجوه مختلف به موضوع نگاه می‌کند دقیق مثال می‌زند و اینگونه کلام را تفسیر می‌کند (وَ أَحْسَنَ تَفْسِيرًا) پس همگرانی آیات در کلام خدا مورد اعتماد است، (الضُّحَى) نور خورشید، از شب بهتر است؛ آخرت، از دنیا بهتر است، متأثر از این دو بحث، یا رسول‌الله K، چیزی به شما عطا می‌شود که راضی شوی، به حسب آیات بعد (أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى) یا رسول‌الله شما یتیم نبودید ما پناهت دادیم، شما نمیدانستی چه مسیری را حرکت کنی، خدا تو را هدایت کرد، این سه جمله آیات ۶ و ۷ و ۸ ضحی یک رفتار مادرانه است. همانطور که آیه ۵ متأثر از آیات قبل است و مشخصاتی از آیات قبل به دست آمد، مشخصات به دست آمده در آیات بعد را نیز باید ضمیمه کرد. یا رسول‌الله K یک عطایی به تو داده خواهد شد، از جنس آخرت مانند نور خورشید است،

درست است که از جنس آسمان است، اما خیلی با تو فاصله ندارد، پایین می‌آید، تو را در بر می‌گیرد، به همان نشانی گذشته‌هایت چنان مادرانه با تو رفتار می‌کند، که راضی شوی. احادیث ام ابیها در ذیل همین سوره باید نوشته شود آیه با حدیث و حدیث با آیه شناخته می‌شود. رسول‌الله K حضرت زهرا را به ام ابیها خطاب می‌کردند. طبرسی (ره) در تفسیر خویش از امام صادق (ع) روایت می‌آورد: روى عن الصادق (ع) أنه قال: «لفاطمة عليها السلام تسعة أسماء عند الله تعالى: فاطمة، و الصديقة، و المباركة، و الطاهرة، و الزكية، و الراضية، و المرضية، و المحدثه، و الزهراء» و کنیتها: أم ابیها، و قد لقبها النبي صلى الله عليه و آله و سلم بسيدة نساء العالمين (طبرسی، ۱۴۲۲ق، ۷۹) مجلسی(ره) نیز کنیه‌های حضرت زهرا را ذکر میکند: «أُمُّ الْحَسَنِ وَ أُمُّ الْحُسَيْنِ وَ أُمُّ الْمُحْسِنِ وَ أُمُّ الْأُمَّةِ وَ أُمُّ أَبِيهَا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۴۳، ۱۶)

آیه سه و پنج سوره ضحی از منظری خیلی به هم شبیه هستند؛ در آیه سوم خداوند می‌فرماید یا رسول‌الله K خدا شما را رها نکرده است. خدا با شما دشمنی ندارد؛ یعنی بزودی [عطای] خدا به تو می‌رسد، آیه ۵ می‌فرماید: بزودی خداوند به شما انقدر عطا می‌کند که راضی شوی. سوره، سه فصل دارد در فصل ۳، خداوند سه ماجرا از گذشته رسول‌الله K را مطرح می‌کند که می‌فرماید من اینها را برای اصلاح کردم، بعد می‌فرماید به‌ازایش سه رفتار انجام بده، موضوع قابل توجه آن است که باید بحث ضحی در آیه ۵ تمام شود اما در ادامه خداوند می‌فرماید: آیا یک زمانی یتیم نبودى من پناهت دادم... پس شما هم در قبال دیگران این رفتارها را انجام بده؛ از اینجا به بعد تعمیم عطاهاى مورد رضایت به جامعه مسلمان، بخصوص شیعیان است، از پیامبر K نقل شده است که: رسول‌الله K و امیرالمؤمنین (ع) پدران این امت هستند. قال النبي K: أنا و أنت أبوا هذه الأمة (ثقفی، ۱۳۹۵ق، ۲، ۷۴۵) النبي K قال: يا علي أنا و أنت أبوا هذه الأمة. (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ش، ۲، ۳۲۲)

مفهوم شمس

در سوره شمس خداوند می‌فرماید: «وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا»، «وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَاها»، شمس نورافشانی می‌کند، منظور از شمس معمولاً در احادیث گفته می‌شود که رسول‌الله K هستند، ضمن اینکه بحث، بحث تأویل است، از امام صادق (P) از شمس و قمر سؤال می‌شود حضرت می‌فرماید: شمس، پیامبر K و قمر، امیرالمؤمنین علی (P) است. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا، قَالَ: الشَّمْسُ رَسُولُ اللَّهِ ص أَوْضَحَ اللَّهُ بِهِ لِلنَّاسِ دِينَهُمْ قُلْتُ: وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَاها قَالَ ذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ» (قمی، ۱۴۰۴ق، ۲، ۴۲۴) شیره وجود شمس، آن چیزی است که از شمس جاری می‌شود و به آن «الضحی» گفته می‌شود. یک عطایی به رسول‌الله K داده می‌شود که از ایشان منتشر خواهد شد، بنابراین (الضحی) چیزی است که از شمس منتشر می‌شود و شمس، رسول‌الله K است. (الضحی)، (النهار) یعنی روز نیست، اما عامل (النهار) است، عامل یک ماجرای بزرگ به نام (النهار)، عطایی که در آیه ۵ ضحی مطرح است نیز باید عامل یک ماجرای بزرگ باشد، (الضحی) آن عطای مدنظر در آیه ۵ نیست، زیرا ضحی قبلاً قرار داده شده بود و الان در آیه ۵ می‌خواهد چیزی عطا شود که بسیار متأثر از (الضحی) است، بسیار شبیه (الضحی) است، در ظلمت شب، حتماً (الضحی) وجود دارد، اما بخاطر قرار گرفتن شب دیده نمی‌شود. (وَ لَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى) یک عطای عمومی نیست، (إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ) هم یک عطای عمومی نیست، اما طبق سوره ضحی، خداوند این عطا را به رسول‌الله K می‌دهد، سپس از قبل ایشان، دیگران هم بهره‌مند می‌شوند، در نهایت با دقت در جمله اول در سوره ضحی دقیق‌تر می‌شویم، بیشتر نتیجه گرفته می‌شود که به احتمال زیاد عطای مطروحه در آیه ۵ ضحی همان عطای مطروحه در آیه ۱ کوثر است، عطای

با این مشخصات، هیچ جای دیگر قرآن نیست، فقط در سوره ضحی آمده است و (إِنَّا أُعْطِينَاكَ) در سوره کوثر مطرح شده است و هیچ جای دیگر نیامده است.

شرح آیات ۶ تا انتهای سوره ضحی

خداوند می‌فرماید: (وَلَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى) بزودی ما یک چیزی به شما عطا می‌کنیم که شما راضی شوید؛ پس حضرت باید منتظر عطا بماند، بلافاصله در آیه بعد می‌فرماید: (أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى) شما یتیم نبودید ما پناهت دادیم؟ (وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى) بعد از یتیمی در سن جوانی، شغلی نداشتی، ما به تو شغل دادیم، به سمت حضرت خدیجه ۱۱ سوقت دادیم، رئیس کارهای حضرت خدیجه ۱۱ شدی و به این صورت به تو عزت بخشیدیم، هدایت کردیم (وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى)، بعد در آیه ۹ می‌فرماید: (فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ)، (وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ) خدا هنوز عطا نکرده است، چرا شش آیه می‌فرماید کارهایی را انجام بده، به این نشانی که ما این رفتار خوب را داشتیم، شما هم با دیگران این رفتار خوب را داشته باش. در سوره کوثر خدا می‌فرماید: (إِنَّا أُعْطِينَاكَ) ما به شما عطا کردیم (الْكَوْثَرَ) بعد در آیه بعد می‌فرماید: این دو رفتار را انجام بده، وقتی خداوند وعده عطا را می‌دهد، شش آیه مطرح می‌کند که کارهایی را انجام بده، در سوره کوثر بعد از عطا خداوند می‌فرماید: (فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ)، دو رفتار انجام بده. در نظام تربیتی زمانی که خداوند، قرار است عطایی دهد، بلافاصله خوبان باید آماده و مشغول فرهنگ‌سازی شوند، برای آماده شدن خداوند نمی‌فرماید تقوایت را بیشتر کن، خالص‌تر شو، یا کاری در قبال خودت انجام ده، تمام کارهایی که در آیات بعد از آیه ۵ ضحی خداوند می‌فرماید رفتار در قبال دیگران است، بعد از اینکه در سوره کوثر عطا بیان شد، دو رفتار در قبال عطا دستور داده شد. در سوره ضحی نیز در آیه ۱۱ (وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ)

خداوند می‌فرماید: نعمات رب را برای مردم بگو! این فرهنگ‌سازی مهم است. زمانی که قرار است عطایی اعطا شود باید فرهنگ لازمه آن عطا ایجاد شود.

مقایسه مفهوم کوثر و ضحی

بعد از قیامت (الْكَوْثَرُ) مانند (الضُّحَى)، نورافشانی می‌کند، وجه نور، از (الضُّحَى) است، اما همانطور که (الضُّحَى) همه را در بر می‌گیرد، (الْكَوْثَرُ) هم همه را بعد از قیامت در بر می‌گیرد. کسانی که از جهنم عبور کردند و وارد سرزمین بعد شدند، (الْكَوْثَرُ) همه آنها را در بر می‌گیرد (الْكَوْثَرُ) کثیر است، با کثرت سروکار دارد، (آملی، ۱۳۸۸، ۴، ۳۱۵-۳۱۶)، تمام کسانی که با اهل بیت^۳ کاری ندارند، داخل جهنم هستند، لذا همه مشمول الابتر می‌شوند، این نوع خاص از قطع شدن جریان، از قطع شدن نسل است و آن‌هایی که از طریق صراط عبور می‌کنند، از (الْكَوْثَرُ) بهره‌مند می‌شوند. چرا در این سوره به جای (الْكَوْثَرُ) واژه دیگری ذکر نشده است؟ چرا بیان نشده است که ما به شما دختر، فرزند یا فاطمه عطا کردیم؟ چرا (الْكَوْثَرُ)؟! در رساله‌ها یکی از پاک‌کننده‌ها نور خورشید بیان شده است، امام خمینی^۴ می‌نویسد: مطهرات یازده تا است که سومین آنها نور خورشید است. (امام خمینی^۴، ۱، ۱۳۰) یعنی، (الضُّحَى) که یکی از بروزات حضرت زهرا^۵ است، الکوثر یکی دیگر از بروزات حضرت زهرا^۶ است، دو موهبت الهی که ضحی از شمس (وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا) و کوثر از رسول‌الله^۷ است، در این دو سوره بیان شده است. حضرت زهرا^۸ کوثر نیستند، ضحی و کوثر دو وجه از وجوهات فراوان حضرت زهرا^۹ است.

عطای جدید که در آیه ۵ ضحی مطرح شده است، حتماً نسبتی با مفهوم ضحی دارد؛ (الضُّحَى) نور روز، ساطعه خورشید است، (الضُّحَى) در مقابل لیل در قرآن بکار رفته، به معنای

روز یا همان نور روز است، (الضحی)، یک شیئی است شخص نیست، یک شیئی عظیم و بسیار نورانی، (الضحی) یکی است، اما کثیری از آن بهره می‌برند؛ پس این عطایی که خداوند در آیه ۵ ضحی وعده می‌دهد اولاً (الضحی) نیست، زیرا به شدت متأثر از (الضحی) است، به شدت شبیه (الضحی) است. سیره خداوند در قرآن به این صورت است که، وقتی بحثی را در سوره‌ای مطرح می‌کند، مثال‌هایی از انبیاء و رسل β مطابق با آن می‌آورد. یعنی وجهی از داستان رسولان را می‌آورد که دقیقاً منطبق با درس باشد؛ پس عطایی که خداوند در آیه ۵ مطرح کرده است، حتماً شباهت به (الضحی) دارد، حتماً متأثر از (الضحی) است، این عطای جدید هم باید مثل (الضحی) یکی باشد، اما کثیری از آن بهره ببرند، این عطای جدید مانند (الضحی) وجود دارد، اما همانطور که (الضحی) در شب دیده نمی‌شود، این عطای جدید هم بخاطر مستولی بودن شب دیده نمی‌شود، این عطای جدید مثل (الضحی) از ارتفاع آسمان می‌آید، ولی قابل دسترسی برای دشمن نیست، همانطور که نمی‌توانند نور خورشید را خاموش کنند نور این عطای عظیم و جدید را هم نمی‌توانند خاموش کنند؛ لذا (الضحی) بخصوص در شب، بعد از رحلت رسول الله K نورافشانی ندارد، چون (الضحی) در شب نورافشانی ندارد. خداوند در سوره یوسف در مورد تابعان رسول الله K می‌فرماید: (قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي) (یوسف/۱۰۸) یا رسول الله بگو روش من و تابعانم این است که مسیر را با بصیرت حرکت کنیم. طبق سوره ضحی، تابعان حقیقی رسول الله K از زمان سقیفه به بعد با سه معضل اساسی دست بگریبان هستند: یتیمی، سرگردانی، تنگدستی. در شب زندگی (أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى) شما خودت یتیم نبودی؟ ما پناهت دادیم، شما خودت سرگردان نبودی؟ ما هدایتت کردیم، شما خودت تنگدست نبودی ما بی‌نیازت کردیم؟ چرا خداوند این سه آیه را در

سوره ضحی فرمود؟ چرا حکیم عالمین، وقتی از نور آسمان صحبت می‌کند از یتیمی و تنگدستی و سرگردانی رسول‌الله K صحبت می‌کند؟ حتماً به یگدیگر ربط دارد، ربطش وقتی است که خداوند می‌خواهد عطای جدیدی را جاری بفرماید، یا رسول الله، چیزی به تو عطا می‌کنم که با آن یتیمان از تابعان را پناه بده، سرگردانان از تابعان را پناه ده، تنگدستان از تابعان را بی‌نیاز کن؛ پس برای رفع نگرانی رسول‌الله K نه در زمان حیات خودشان، برای شب بعد از رسول الله، خداوند وعده این عطای عالی را می‌دهد. (وَلَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى) به خاطر (وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى) است، بخاطر شب، وقتی که می‌آید ساکن می‌شود تا حدی ساکن می‌شود، تا حدی اذیت‌کننده است که خداوند در آیه ۳ می‌فرماید: یا رسول الله خدا شما را فراموش نکرده است، خدا با شما دشمنی ندارد؛ پس شب بعد از رسول الله K دوران سختی است، ایشان هم که نیستند، تابعان ایشان چه خواهند کرد؟ رسول‌الله K، نگران امت‌شان هستند، حتی نگران کافران امت‌شان هستند، برای هدایت آنها اصرار دارند که خداوند می‌فرماید: چرا شما اینقدر به خودت سختی می‌دهی؟ (إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ) (قصص/۵۶) شما هر کسی را بخواهی نمی‌توانی هدایت کنی، تا خدا چه بخواهد؛ پس (الضُّحَى) برای روز است، عطای جدید برای لیل است؛ (الضُّحَى) برای دوران رسول‌الله K است، عطای جدید، برای لیل بعد از رسول‌الله K است؛ (الضُّحَى) عمومی است و همه را در روز بهره‌مند می‌کند، خصوصی است، درست است که در لیل است یک تفاوتش با (الضُّحَى) این است، نور خورشید به همه می‌تابد، چه جانور چه انسان، چه مؤمن چه کافر، اما عطای جدید یک تفاوتش با (الضُّحَى) این است که برای همه نیست، برای مؤمن و کافر نیست، برای دشمن رسول الله نیست؟ (إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ) دشمن شما نه تنها نباید بهره‌مند شود بلکه باید نسلش قطع شود؛ پس سوره کوثر و سوره ضحی از باب دل سوزی برای کافران

نیست، از باب نگرانی برای غیرتابعان نیست، عطایی است خصوصی، این عطا از جنس مقولات آخرتی است، مقولات آخرتی‌ای که بهتر از مقولات دنیایی است، چون در آیه قبلش فرمود که (وَ لِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى). (الضحی) پدران است، این عطاء جدید مادرانه است؛ چرا (الضحی) پدران است؟ چون برای بیرون خانه است، در اتاق نور خورشید کمی می‌تابد، عطای جدید مادرانه است، مربوط به لیل دنیا است آن هم برای افرادی خصوصی نه برای عموم؛ (الضحی) برای روز است، یک موضوعی علنی است، عطای جدید در شب اثر دارد، پنهانی است، این عطای جدید درست است که خداوند به رسول الله K می‌دهد، اما برای تابعان حقیقی ایشان است، به سه دلیل که عبارتند از: ۱. چون برای بعد از (الضحی) است و برای هنگام وقوع لیل مطرح می‌شود؛ استفاده کننده رسول الله K نیستند. ۲. بخاطر رفع نگرانی و احساس نیاز حضرت به سختی‌های دوران لیل مطرح شده است.

عطاهای خداوند به اهل بیت β که در شب عطا شده، از جنس کوثر است، مانند: معراج رسول الله K (سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ) (اسراء/۱) پس کل سوره اسراء که حاکی از معراج است یکی از مصادیق کوثر است. به دلیل اینکه در شب واقع شده است. امیرالمؤمنین علی (ع) بعد از حضرت زهرا (س)، شب‌ها به دستگیری از مستمندان می‌پرداختند، روزها به رفتار علوی و شب‌ها به رفتار فاطمی می‌پرداختند. رفتار فاطمی طبق سوره ضحی یتیمان را پناه، تنگدستان را غذا دادن است. موهبت‌های الهی که در شب جاری می‌شود، رفتارهای قرآنی که مخصوص شب است، فاطمی است. در سوره اسراء خداوند می‌خواهد نعمت عظیمی به رسول الله K عطا کند می‌فرماید: (وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ) (اسراء/۷۹) تهجد یک رفتار فاطمی است، چون در لیل واقع می‌شود، کوثر برای شب دنیا است، بروزات کوثر در شب است، هر موهبت الهی که

امت مسلمان در شب بعد از رسول الله K، بهره مند می‌شوند، حتی موهبت‌هایی که در شب قدر خداوند قرار می‌دهد، از مصادیق کوثر است. حضرت زهرا^{۱۱} به حسب وجه کوثرشان در شب کار انجام می‌دهند، حضرت وصیت می‌کند که یا علی! شبانه من را غسل بده، شبانه مرا دفن کن، قبرشان مخفی است. حضرت زهرا^{۱۱} وجود مبارکی در زمین هستند که بسیاری از فضایل خداوندی، فضایل عوالمی و نشئاتی به ایشان وصل است.

رابطه مفهوم کوثر و ضحی

چرا خداوند متعال بحث کوثر را در سوره ضحی قرار داده است؟ مفهوم کوثر چرا در بین مفاهیم مختلف قرآن، به ضحی نزدیک‌تر است؟ برای متوجه شدن رمز ماجرا، اگر آیات ۴ و ۵ سوره ضحی را که مربوط به کوثر است، حذف شود، چه می‌شود؟ آیات به این صورت می‌شود که: (وَ الضُّحَى)، (وَ اللَّيْلِ إِذَا سَجَى)، (مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَ مَا قَلَى)، (أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى)، (وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى)، (وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى)؛ بحث شب مطرح می‌شود و قانون به این صورت می‌شود که رسول الله K یتیم و سرگشته و تنگدست باشد. درحالی که در سوره ضحی صحبت از حکم اولیه و حکم ثانویه، وضع اولیه و وضع ثانویه است، وضع اولیه لیل است، در درون لیل روال (یتیمًا)، (ضالًّا)، (عائلاً)، است. ابتدا لیل، بعد (الضحی) حاکم شد، لذا باید اول ضحی مطرح باشد، زیرا سوره، حاکی از وضع ثانویه است، حاکی از قرار گرفتن وضع ثانویه بر وضع اولیه است، لذا عنوان سوره باید ضحی باشد. برنامه، برنامه نور افشانی است، باید لیل می‌بود، ضحی با یک موهبتی از آخرت واقع شد؟ از آنجایی که آن موهبت به سمت همه سرزمین‌های قبل جاری می‌شود. به جای (یتیم) «مأوا»، بجای (ضال) هدایت و بجای تنگدستی غنی بودن مطرح شده است. یک مصداق [الضحی] نور حاکم بر آسمان‌های

هفت‌گانه است. یا رسول الله الان زندگی شما الضحی است، مصداقش (فَأَوَى)، (فَهْدَى)، (فَأَغْنَى) است، اما از اول اینطور قرار نبود باشد، از اول قرار بود (وَ اللَّيْلِ إِذَا سَجَى) باشد، مصداقش (یتیمًا)، (ضَالًّا)، (عَائِلًا) است؛ اگر کوثر نبود طبق این سوره، لیل باید حاکم می‌شد و از لحاظ خلائق، همه خلائق (یتیمًا)، (ضَالًّا)، (عَائِلًا) بودند، هر پناهی مصداقش (فَأَوَى) و از کوثر است، هر هدایتی هست، مصداق (فَهْدَى) و از کوثر است، هر نعمتی، مصداق (فَأَغْنَى) و از کوثر است این وضعیت ثانویه است، بخاطر رسول الله K خداوند عطا کرده است. کوثر صاحب دارد، اما در پهنه عظیم عالم جریان داده شد، زیرا رسول الله K، (وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ) رحمه للعالمین هستند، ایشان در شب عالم می‌آیند و تمام خلائق از وضعیت (یتیم) و (ضَال) و (عَائِل) خارج میشوند. بر اساس آیه ۴ سوره ضحی اعطا، از جنس آخرت می‌آید و خداوند در آیه ۶ تا انتهای سوره با بدکاران کاری ندارد بنابراین آیات ۶ تا ۱۱ سوره ضحی، به آیه ۳ سوره کوثر ارتباطی ندارد و فقط آیه ۱ و ۲ سوره کوثر را در بر می‌گیرد؛ به آیه ۳ سوره کوثر ارتباطی ندارد و اعطا نسخه‌ای برای لیل دنیا است.

سه دوره در سوره ضحی

طبق سوره ضحی، از وقتی که کوثر شروع به بروز می‌کند، در سه دوره انجام می‌شود، این سه دوره را در سوره ضحی می‌توان مشاهده کرد که عبارتند از: بروز کوثر به صورت (أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى) است که به نظر می‌رسد مصادیقش می‌تواند: ۱. قبل از بعثت، ۲. انقلاب اسلامی ایران که مأوا برای یتیمان اهل بیت در سراسر دنیا است، با انقلاب اسلامی ایران، خداوند مسلمان‌ها را، یتیمان را پناه داد، بسیاری از شیعیان هجرت کردند و به ایران آمدند، به خصوص در شهر قم یا در مشهد، ساکن شدند، دومین بروز کوثر: (وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى) است، خداوند در ماجرای اربعین، راهنمایی می‌کند، اصل ماجرا بروز کوثر است، قلب گواهی می‌دهد که این صحنه، بشری نیست، عظمت صحنه، ارتقائی که انسان‌ها پیدا می‌کنند، نوری که احساس می‌شود، نه اینکه نور دیده شود، اثر نور احساس می‌شود، ارتقاء روحی در اربعین احساس می‌شود، سومین مرحله بروز کوثر ۱۱ به صورت (وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى) است. در آینده واقع خواهد شد. (عَائِلًا)؛ یعنی تنگدست، به حسب تحریم‌ها، به حسب کم بودن جمعیت، نسبت به جمعیت دنیا، به حسب حسادت‌های نسبت به تشیع، به حسب کم کاری رژیم‌های گذشته، (وَوَجَدَكَ عَائِلًا)، کم کاری گذشته گان که درست نتوانستند کار انجام دهند، تنگدستی پیش آمده است، می‌خواهم شما را غنی کنم، این جمله زبان حال بروز کوثر فاطمی ۱۱ است، حضرت زهرا ۱۱ با اجازه پدرشان رسول‌الله K سومین بروز کوثرشان را می‌خواهند به این صورت قرار دهند، هنوز واقع نشده، درست است؟ اما به حسب چیدمان آیات ۶ تا ۸ سوره ضحی الان دیگر موسم (فَأَغْنَى) است. مانند دست بافته‌های حضرت زهرا ۱۱، هر سه تای آن برای ما مقدس باشد.

نظر به نقش هدایت‌گری قرآن کریم، حقایق استخراج شده می‌تواند مبنای الگوی رفتاری در زندگی فردی و اجتماعی باشد. هر دو سوره کوثر و ضحی در موقعیت دل‌داری به رسول‌الله^K، حاوی عطایی بسیار قیمتی هستند. عطای جدیدی که واژه‌هایش شبیه سوره کوثر است حتماً باید عطای در سوره ضحی در قرآن تبیین شده باشد، زیرا برترین سخنران عالم، در کتاب مبین (تَبَيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ) کلام را مبهم نمی‌گذارد. سوالی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که آیا در سوره ضحی رد جدیدی از کوثر، از عطای خداوندی یافت می‌شود؟ برای پاسخ به این سوال می‌توان آیه ۵ سوره ضحی را، به حسب آیات ۴ و ۵، سپس به حسب آیات ۱ تا ۳ و بعد به حسب آیات ۶ به بعد سوره ضحی بررسی کرد. عطایی که خداوند در آیه یک کوثر مطرح کرده است، حتماً شباهت به (الضُّحَى) دارد، حتماً متأثر از (الضُّحَى) است، این عطای جدید موهبتی بسیار مثبت که از جنس آخرت است باید مثل (الضُّحَى) یکی باشد، اما کثیری از آن بهره ببرند. عطای با این مشخصات، هیچ جای دیگر قرآن به جز سوره کوثر یافت نشد. کوثر وجود حضرت زهرا[ؑ] نیست، کوثر یک مفهوم است، یک صفت است. حقایقی که در دو سوره مشخص شد عبارت است از: ۱. محدود به زمان نبودن اثرات وجودی حضرت زهرا[ؑ] ۲. گستره ابعاد وجودی حضرت زهرا[ؑ] ۳. استخراج چارچوب‌های رفتاری و راهبری متناسب با مقتضیات زمان.

منابع

- قرآن کریم
۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۳)، ترجمه قرآن، موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، قم.
 ۲. ابوالفتوح رازی حسین بن علی، (۱۴۰۸ ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیرالقرآن، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
 ۳. بکری، احمد بن عبدالله، (۱۴۱۱ق)، الانوار فی مولد النبی صلی الله علیه و آله، دارالشریف الرضی، قم.
 ۴. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، (۱۳۹۵ق)، الغارات، انجمن آثار علمی، تهران.
 ۵. آملی، جواد، (۱۳۸۸)، معاد در قرآن، اسراء، تهران.
 ۶. خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسیله، دارالعلم، قم.
 ۷. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۵۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی(ره)، قم.
 ۸. طباطبایی سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
 ۹. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۲۲ق)، تاج الموالید، دارالقاری، بیروت.
 ۱۰. طبرسی فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران.
 ۱۱. سیوطی جلال الدین، (۱۴۰۴ ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم.
 ۱۲. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، (۱۳۷۵)، روضه الواعظین و بصیره المتعظی، انتشارات رضی، قم.

۱۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، (۱۴۰۴ق)، محقق موسوی جزائری، دارالکتاب، قم.
۱۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ق)، بهار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
۱۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۵۷)، بیست گفتار، صدرا، تهران.
۱۶. مکارم شیرازی ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیة، تهران.

References

The Holy Quran

1. Rezaei Isfahani, Mohammad Ali, (1383), Quran translation, Dar Al-Dhikr Cultural Research Institute, Qom.
2. Abu al-Futuh al-Razi Hussein ibn Ali, (1408 AH), Rawd al-Jannan and Ruh al-Jannan in the Interpretation of the Qur'an, Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation, Mashhad.
3. Bakri, Ahmad ibn Abdullah, (1411 AH), Al-Anwar in the birthplace of the Prophet, peace be upon him and his family, Dar al-Sharif al-Radi, Qom.
4. Saghafi, Ibrahim Ibn Mohammad Ibn Saeed Ibn Hilal, (2016 AH), Al-Gharat, Scientific Works Association, Tehran.
5. Amoli, Javad, (2009), Resurrection in the Quran, Esra ', Tehran.
6. Khomeini, Seyyed Ruhollah Mousavi, Tahrir al-Waseela, Dar al-Alam, Qom.
7. Siouti, Abdul Rahman Ibn Abi Bakr, (1404 AH), Al-Dar Al-Manthurfi Al-Tafsir Bal-Mathur, Public Library of Grand Ayatollah Marashi Najafi, Qom.

- 8 .Tabatabai Seyyed Mohammad Hussein, (1417 AH), Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Office of Islamic Publications of the Society of Teachers of the Seminary of Qom, Qom.
- 9 .Tabarsi, Fadl Ibn Hassan, (1422 AH), Taj Al-Mawaleed, Dar al-Qari, Beirut.
- 10 .Tabarsi Fadl Ibn Hassan, (1372), Collection of Statements in the Interpretation of the Qur'an, Nasser Khosrow Publications, Tehran.
- 11 .Siouti Jalaluddin, (1404 AH), Al-Dar Al-Manthur Fi Tafsir Al-Mathur, Library of Ayatollah Marashi Najafi, Qom.
- 12 .Fatal Neyshabouri, Mohammad Ibn Ahmad, (1375), Rawdat al-Wa'izin and Basirat al-Mut'azi, Razi Publications, Qom.
- 13 .Qomi, Ali Ibn Ibrahim, Tafsir al-Qomi, (1404 AH), researcher Mousavi Jazayeri, Dar al-Kitab, Qom.
- 14 .Majlisi, Mohammad Baqir bin Mohammad Taqi, (1403 AH), Bahar Al-Anwar, Darahiyah Al-Tarath Al-Arabi, Beirut.
- 15 .Motahari, Morteza, (1978), twenty speeches, Sadra, Tehran.
- 16 .Makarem Shirazi Nasser, (1374), Tafsir Nomoneh, Dar al-Kitab al-Islamiyya, Tehran.